

منن زیر، ترجمه بخشی از فصل هشتم کتاب «تدریس برای تفکر انتقادی» نوشته استفان بروکفیلد است.^۱

تمرین‌های گروهی برای پرورش تفکر انتقادی در کلاس درس

در این بخش تمرین‌هایی برای پرورش تفکر انتقادی از جمله تحلیل نقادانه موضوع یا ایجاد فضای برای پوشش دادن صداهاى مختلف ارائه شده است. در حالت ایده‌آل، این تمرین‌ها هم فرآیند و هم موضوع را در بر می‌گیرند.

حلقه صداها

یکی از تمرین‌های مورد علاقه من که معمولاً در شروع کارهای گروهی به کار می‌برم تمرین «حلقه صداها» است. این تمرین، دو هدف عمده دارد. اولین هدف آن است که قبل از ایجاد توافق عمومی درباره یک موضوع از طریق بحث و گفت‌وگو، به همه امکان اظهار نظر بدهد. هدف دوم، تأکید بر اهمیت گوش دادن فعالانه برای به راه انداختن بحث و گفت‌وگوی سازنده و پیشبرد و ادامه آن است.

در این تمرین، شرکت‌کنندگان به گروه‌های ۵ نفره تقسیم می‌شوند. سؤال یا موضوعی که قرار است به بحث گذاشته شود، به گروه‌ها اعلام می‌شود. سه دقیقه وقت به گروه‌ها داده می‌شود تا در مورد موضوع بحث در سکوت فکر کنند و ذهن خود را برای پاسخگویی منظم کنند. در این سه دقیقه، هر کس به این فکر می‌کند که در حلقه صداها چه چیزهایی می‌خواهد بگوید. دادن این فرصت فکر کردن نه فقط برای این تمرین، بلکه به طور کلی برای هر تمرین تفکر انتقادی ضروری است. در حالی که در اغلب فعالیت‌های کلاسی، سؤال پرسیده می‌شود و دانش‌آموزان باید فوراً به آن پاسخ دهند. اگر می‌خواهیم افراد از پیش فرض‌ها فراتر روند و دیدگاه‌های جدید خلق کنند، باید فرصتی برای سکوت و فکر کردن داشته باشند.

بعد از این سه دقیقه فرصت سکوت، بحث در هر گروه با اولین دور مکالمه شروع می‌شود. هر نفر در گروه یک دقیقه فرصت دارد تا پاسخ یا نظر خود را در ارتباط با موضوع مطرح شده اعلام کند. در طول مدتی که فرد صحبت می‌کند، سایر اعضای گروه نباید مداخله یا اظهار نظر کنند. دور اول مکالمه در گروه، نوعی مونولوگ کوتاه است که ممکن است در ابتدا برای یک بحث گروهی عجیب به نظر برسد، ولی برای بخش دوم این تمرین لازم است.

بعد از اینکه هر فرد از فرصت یک دقیقه‌ای خود استفاده کرد، بحث درون گروه‌ها شکل آزادانه‌تری به خود می‌گیرد. در این زمان از دومین قانون استفاده می‌شود: شرکت‌کنندگان تنها می‌توانند درباره صحبت‌ها و نظرات دیگران که در دور اول بیان شد، نظر بدهند. افراد نمی‌توانند در بین حرف‌هایشان ایده‌ها و نظرات خود را بسط و گسترش بدهند، بلکه باید واکنش و نظراتشان را درباره صحبت‌های دیگران بیان کنند. تنها

^۱ Brookfield, S. (2012). Making Discussions Critical, *Teaching For Critical Thinking: Tools and Techniques to Help Students Question Their Assumptions* (pp. 183-189). San Fransisco, CA: Jossey-Bass

استثنای این قانون زمانی است که یکی از شرکت‌کنندگان از دیگری می‌خواهد تا نظراتش را با جزئیات بیشتری بیان کند.

یکی از مزایای مهم استفاده از حلقه‌ی صداها برای شروع بحث جمعی این است که از مسلط شدن عده‌ای خاص بر بحث جلوگیری می‌کند. افراد خجالتی یا درون‌گرا، افرادی که به خاطر تجربه‌های بد قبلی‌شان به کلاس بی‌اعتمادند یا افرادی که بحث را فرصت دیگری برای معلم می‌بینند که به آن‌ها فشار بیاورد، معمولاً در بحث‌های کلاسی ساکتند. هرچه مدت زمان سکوت این افراد بیشتر شود، صحبت کردن در جمع برایشان سخت‌تر می‌شود. در مقابل، در حلقه‌ی صداها، صدای همه حداقل یک‌بار در شروع بحث شنیده می‌شود.

دایره‌ی پاسخ

این تمرین در دهه ۱۹۳۰ توسط آموزشگری به نام ادوارد لیندن برای کمک به انجمن‌هایی که با اهداف مشخص تشکیل شده‌اند، طراحی شد. مانند حلقه‌ی صداها، هدف این تمرین هم این است که مشارکت در بحث بصورت دموکراتیک انجام شود و به افراد امکانی بدهد تا تلاش برای گوش دادن همراه با احترام را تجربه کنند. در این تمرین، افراد در یک حلقه به صورتی می‌نشینند که بتوانند هم را ببینند. تعداد بهینه شرکت‌کنندگان این تمرین ۸ الی ۱۲ نفر است.

مانند حلقه‌ی صداها، این فرآیند دو دور مکالمه دارد. در اولین دور، هر فرد در حلقه به مدت یک دقیقه درباره‌ی موضوع یا مشکل مورد بحث، صحبت می‌کند. در این مدت، افراد همه گوش می‌کنند و کسی نباید سوال بپرسد یا اظهارنظر کند. بعد از این که اولین نفر صحبتش را تمام کرد، نفر سمت چپ نفر اول، صحبتش را شروع می‌کند. نفر دوم نمی‌تواند هر چه که می‌خواهد بگوید. بلکه باید در صحبت‌های خود به حرف‌ها و نظرات نفر قبل ارجاع دهد و صحبت‌های خود را بر حرف‌های نفر قبل بنا کند. لزومی ندارد که نفر دوم حتماً با حرف‌های نفر اول موافق باشد، ارجاع به حرف‌ها و نظرات نفر قبل می‌تواند در قالب مخالفت یا موافقت به کار برده شود. نکته این است که صحبت‌های نفر اول باید مبنای صحبت‌های نفر دوم باشد. این مکالمه در کل حلقه به همین صورت از یک فرد به فرد دیگر منتقل می‌شود و با صحبت‌های شروع کننده بحث یعنی نفر اول به پایان می‌رسد. در اینجا فرد شروع کننده حلقه، بر مبنای صحبت‌های فرد آخر، نظراتش را اعلام می‌کند. وقتی حلقه یک بار به این صورت چرخید، بحث آزاد شروع می‌شود که برای آن هیچ قانونی وجود ندارد. افراد می‌توانند سوال‌هایی درباره‌ی نظرات یکدیگر بپرسند، پاسخ‌هایی به سؤالات دیگران بدهند، یا ایده‌های جدید مطرح کنند.

هر بار که من این تمرین را اجرا می‌کنم، متوجه می‌شوم که بدن هر فرد به سمت نفر بعدیش - که بر مبنای حرف‌های او، نظراتش را می‌گوید- متمایل است. این اتفاقی است که تنها در بحث‌های رو در رو برجسته می‌شود. برخلاف بحث‌های آنلاین و مجازی، شما لازم نیست ساعت‌ها یا روزها صبر کنید تا واکنش طرف دیگر را به صحبت‌های خود دریافت کنید.

به عقیده من، تمرین دایره پاسخ برای شروع یک بحث مناسب نیست. معمولاً این موضوع که به نظرات فرد سریع و بی‌درنگ پاسخ داده می‌شود، اضطراب ایجاد می‌کند. برای پایین آوردن درجه اضطراب، من معمولاً به شرکت‌کنندگان می‌گویم که هر کس پیش از پاسخ دادن می‌تواند چند لحظه‌ای فکر کند که چه

می‌خواهد بگوید. علاوه بر این، اضافه می‌کنم که لازم نیست حتماً پاسخی فوری به طرف مقابل داشته باشید و می‌توانید بگویید که در حال حاضر نمی‌توانید به جواب فکر کنید، اما اگر این را می‌گویید باید اعلام کنید که چرا برای پاسخ دادن مشکل دارید. آیا برای این است که تجربه‌ای در پاسخ به نظرات نفر قبلی ندارید؟ یا زبان و واژه‌هایی که نفر قبلی استفاده کرده را متوجه نمی‌شوید؟

کچ گویند

این تمرین را استیون ریپ، دانش‌آموزی در کلاس مدیریت توسعه که من در دانشگاه سنت توماس درس می‌دادم، به من معرفی کرد. کچ‌گویند روشی صامت و تصویری برای درگیری در بحث بدون سخن گفتن است.

من معمولاً از این روش در ۱۰ دقیقه‌های انفجاری برای جرعه زدن بحث و گفت‌وگو استفاده می‌کنم. علاوه بر این، این روش برای بیرون کشیدن نگرانی‌ها و دغدغه‌های اعضای یک مؤسسه یا نهاد قبل از شروع بحث مناسب است. توضیح گام به گام این تمرین به شرح زیر است:

۱- تسهیلگر سؤالی را در دایره‌ای که وسط تخته کشیده شده، می‌نویسد. مثلاً «پیش‌فرض‌های مدل آموزشی بروکفیلد برای تفکر انتقادی چیست؟» و تعدادی کچ در کنار تخته سیاه قرار می‌دهد.

۲- سپس توضیح می‌دهد که این یک فعالیت صامت است و کسانی که برای این سوال جوابی دارند می‌توانند پای تخته بیایند و نظراتشان را بنویسند یا آزادانه سؤال یا نظرشان را درباره نظرات دیگران بنویسند، یا اگر ارتباطی بین نوشته‌های روی تخته می‌بینند آن‌ها را به هم وصل کنند، یا اگر دو پاسخ به یک سؤال در نهایت مشابه هم هستند آن‌ها را به هم وصل کنند، یا..

۳- زمانی که افراد آمادگی داشته باشند، داوطلبانه از جای خود بلند می‌شوند و روی تخته می‌نویسند. گاهی مدتی طول می‌کشد تا بالاخره یک نفر از جای خود بلند شود.

۴- تسهیلگر هم به همراه شرکت کنندگان در نوشتن روی تخته یا ربط دادن نوشته‌ها به هم، نوشتن سؤال درباره نظرات دانش‌آموزان، یا اضافه کردن نظرات خودش شرکت می‌کند.

۵- وقتی که سکوت طولانی حکمفرما شد و کسی برای نوشتن از جایش بلند نشد، تسهیلگر از همه می‌پرسد که آیا کارشان تمام شده یا نه. اگر همه تأیید کردند، در کلاس درباره نوشته‌های روی تخته بحث و گفت‌وگو می‌کنند.

من این تمرین را به دلایل زیادی دوست دارم. یکی از این دلایل این است که هیچگاه بد هدایت نمی‌شود. دلیل دیگر این است که میزان مشارکت در آن بالاتر از زمانی است که من سؤالی را در کلاس مطرح می‌کنم و از شرکت‌کنندگان می‌خواهم نظراتشان را اعلام کنند. در این تمرین معمولاً در ده دقیقه اول، بیشتر از نصف دانش‌آموزان در فعالیت شرکت می‌کنند در حالی که در بحث‌های گروهی عموماً ده درصد دانش‌آموزان فعال هستند. علاوه بر این‌ها این فعالیت به افراد درون‌گرا هم فرصت می‌دهد تا حرفی برای گفتن بیابند. اما چون معمولاً در این تمرین همیشه تعدادی پای تخته مشغول نوشتن هستند، فرصتی برای بازبینی یا مشارکت چندباره افراد وجود ندارد.

خطا را هدف بگیر

در این تمرین تسهیلگر یا معلم در طول بحث از عمد مطالب نادرستی را مطرح می‌کند و از پیش از شروع بحث این نکته را به دانش‌آموزان می‌گوید. این مطلب نادرست می‌تواند یک حقیقت دروغین باشد یا برداشت نادرستی که از یک موضوع داشته است، می‌تواند تأیید یک مطلب نادرست باشد که یکی از شرکت‌کننده‌ها گفته یا دستکاری واقعیت بدون داشتن شاهد یا مثلاً دادن اطلاعات غلط درباره نام یک نویسنده یا نام کتاب یا ارجاع به یک کتاب اشتباه. در انتهای بحث به دانش‌آموزان سی ثانیه فرصت داده می‌شود تا مطالب نادرست در طول بحث را به صورت ناشناس روی یک برگه کاغذ بنویسند. همه برگه‌ها جمع می‌شود و به دست معلم می‌رسد. معلم تعدادی از این نوشته‌ها را انتخاب می‌کند و با صدای بلند می‌خواند و خطاهایی که داشته را اعلام می‌کند. بادسترسی به تکنولوژی ارزان، حالا دانش‌آموزان می‌توانند پیشنهادات خود را به جای نوشتن روی کاغذ در صفحه مجازی کلاس درس بنویسند تا برای همه قابل مشاهده باشد.

سکوت هدفمند

کمی قبل‌تر در همین بخش نوشتیم که فرصت‌های سکوت بخشی جدانشدنی از فرآیند فعالیت‌های گروهی برای به چالش کشیدن پیش‌فرض‌ها و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های جایگزین است. برای این که این سکوت بخش ثابتی از روند فعالیت‌های کلاسی باشد، راه‌های مختلفی وجود دارد. یکی از این راه‌ها برنامه ریزی کردن برای داشتن سکوت هدفمند در طول اجرای فعالیت گروهی است.

هر ۱۵ تا ۲۰ دقیقه بحث را متوقف کنید و از شرکت‌کنندگان بخواهید دو تا سه دقیقه سکوت اختیار کنند. این مرحله، مرحله‌ای بازتابی است که در طی آن از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود به حداقل یکی از سوالات زیر فکر کنند (شما به عنوان تسهیلگر جمع یکی از این سوالات را با توجه به جریان کلی بحث انتخاب می‌کنید):

- در طول ۱۵ دقیقه گذشته مهم‌ترین موضوعی که مطرح شد چه بود؟
- در طول ۱۵ دقیقه گذشته گیج‌کننده‌ترین موضوعی که مطرح شد چه بود؟
- چه سؤال یا سؤالاتی را باید در طول ۱۵ دقیقه بعدی پوشش دهیم؟
- چه چشم انداز یا تفسیری در ۱۵ دقیقه گذشته برای شما جدید بود؟
- کدام پیش‌فرض‌های شما در طی ۱۵ دقیقه گذشته بحث تأیید شد؟ چرا؟
- کدام پیش‌فرض‌های شما در طی ۱۵ دقیقه گذشته به چالش کشیده شد و فکر می‌کنید چرا؟

دانش‌آموزان در طی این چند دقیقه سکوت بر روی کاغذی که شما به آنها داده‌اید، یادداشت برمی‌دارند. وقتی که نوشتن‌شان تمام شد، شما تمام کاغذها را جمع کنید و بعضی از آنها را با صدای بلند بخوانید.

این تمرین به شکل گرفتن بحث برای پانزده دقیقه بعد کمک می‌کند و به شما تصویری از این که دانش‌آموزان به چه فکر می‌کنند می‌دهد.